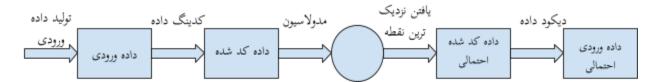
گزارش تمرین کامپیوتری اول مبانی شبکه های بی سیم دکتر شریعت پناهی محیا قینی - ۸۱۰۱۹۶۶۱۵

در این تمرین قصد داریم انتقال سیگنال با کمک روش های مختلف مدولاسیون و کدینگ را پیاده سازی کنیم، بدین جهت مراحل زیر باید طی شوند:



حال مراحل را جداگانه بررسی می کنیم:

● تولید رشته ورودی

رشته ورودی از بیتهای صفر و یک با احتمال برابر و مستقل ساخته شده است. برای پیاده سازی و ساخت همچین رشته ای می توان از random متعلق به کتابخانه random پایتون استفاده کرد. این تابع به صورت رندوم از بازه اعداد داده شده با احتساب سر و پایان بازه یک عدد صحیح را انتخاب می کند.

این عملیات توسط تابع produceData انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی سایز رشته ای که می خواهیم می گیرد و به عنوان خروجی رشته تولیدی را تحویل می دهد.

• کدینگ داده شده

در طی این تمرین دو حالت برای کدینگ داریم، که در ادامه روش مدیریت هر یک بیان می شود:

۱ بدون کدینگ

در این حالت داده بدون هیچ تغییری به مرحله بعد منتقل می شود.

۲ استفاده از (4,7) Hamming

این کدینگ بدین صورت است که ۴ بیت ورودی را به ۷ بیت تبدیل می کند که ۳ بیت اضافه شده اند به جهت خطایابی و اطمینان از صحت داده ارسالی به داده اضافه می شوند. این روش کدینگ چند مرحله جهت آمادگی داده ارسالی دارند که در ادامه بررسی می کنیم.

○ اضافه کردن سه بیت Parity به چهار بیت داده اولیه

$$p1 = d1 + d2 + d4$$

 $p2 = d1 + d4 + d3$
 $p3 = d2 + d4 + d3$

اگر ورودی به شکل dld2d3d4 باشد هر یک از بیت های parity به شکل بالا محاسبه می شوند که + نشانه عملیات xor روجیت عدد ۱ پیاده سازی شده است، بدین معنا که اگر تعداد ۱ ها فرد بود Parity یک می شود و برعکس. رشته ۷ بیتی حاصل به فرم plp2dlp3d2d3d4 است.

این عملیات توسط تابع addParityBits انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی ۴ بیت داده را می گیرد و به عنوان خروجی رشته تولیدی به همراه parity bits را تحویل می دهد.

کد کردن تمام رشته ورودی

بدین جهت کافی ست از رشته ورودی بیت ها را ۴ تا ۴تا جدا کنیم و روی هر ۴ بیت تابع addParityBits را فرا بخوانیم و ۷ بیت حاصل را جایگزین ۴ بیت قبل کنیم.

این عملیات توسط تابع hammingCode انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی تمام رشته داده را می گیرد و به عنوان خروجی رشته تولیدی به همراه parity bits را تحویل می دهد.

• مدولاسيون

برای مدل کردن ارسال پیام در این تمرین از دو مدولاسیون استفاده میکنیم: 16QAM - QPSK. قدم هایی که بایست برای هر دو روش طی شود یکسان است پس با هم بررسیشان می کنم و در صورت نیاز مرحله مورد نظر را برای هر روش جداگانه توضیح می دهم:

O تخصیص اعداد مختلط

در این روش رشته ورودی ۲ بیت ۲ بیت جدا می شود و طبق دیکشنری QPSKmappingDict هر دو بیت به یک عدد مختلط نظیر می شوند. حال باید این عدد مختلط نرمال شود. جهت نرمال سازی عدد آن را تقسیم بر سایز عدد مختلط می کنیم. سایز توسط تابع calNormFactor محاسبه می شود.

16QAM ■

در این روش رشته ورودی ۴ بیت ۴ بیت جدا می شود و طبق دیکشنری QAMmappingDict هر این روش رشته ورودی ۴ بیت جدا می شوند. حال باید این عدد مختلط نرمال شود. جهت نرمال این عدد مختلط نرمال شود. جهت نرمال سازی عدد آن را تقسیم بر سایز عدد مختلط می کنیم. سایز توسط تابع calNormFactor محاسبه می شود.

این عملیات توسط تابع mapToComplex انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی تمام رشته داده و روش مدلاسیون را می گیرد و به عنوان خروجی رشته تولیدی به شکل مختلط بسته به روش را تحویل می دهد.

0 ایجاد h

h در اصل نمایش باند پایه اثر کانال است که طبق صورت تمرین با عدد مختلط تصادفی به شکل زیر مدل می شود:

$$h = \frac{1}{\sqrt{2}} (h_I + jh_Q)$$
$$h_I \sim N(0.1)$$
$$h_Q \sim N(0.1)$$

جهت ایجاد اعداد تصادفی با توزیع گفته شده از random.normal استفاده کردم. سپس عدد مختلط ساخته شده را با تقسیم بر رادیکال دو نرمال کردم. حال رشته ای هم سایز با رشته ورودی از h ها داریم. این عملیات توسط تابع produceH انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی سایز رشته داده را می گیرد و به عنوان خروجی رشته h تولیدی به شکل مختلط و سایز رشته داده را تحویل می دهد.

n در اصل نویز AWGN است که طبق صورت تمرین با عدد مختلط تصادفی به شکل زیر مدل می شود:

$$n = \frac{1}{\sqrt{2}} (n_I + jn_Q)$$

$$n_I \sim N(0.\sigma^2)$$

$$n_Q \sim N(0.\sigma^2)$$

$$SNR = \frac{1}{\sigma^2}$$

مانند بالا عدد تصادفی ایجاد و نرمال شده است. تنها تفاوت با بالا تاثیر snr در توزیع نرمال است.

این عملیات توسط تابع produceN انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی سایز رشته داده و \sin را می گیرد و به عنوان خروجی رشته π تولیدی به شکل مختلط و سایز رشته داده را تحویل می دهد.

o محاسبه y

y در واقع سیگنال دریافتی است. که طبق رابطه زیر محاسبه می شود:

$$y = hx + n$$

البته با تقسیم بر h بایستی اثر کانال هم از بین ببریم. بنابراین لیست هایی که در بالا به دست آوردیم پیمایش می کنیم و متناظراً داده ها در فرمول بالا قرار می دهیم.

این عملیات توسط تابع produceY انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی لیست h، x، n را می گیرد و به عنوان خروجی سیگنال دریافتی را تحویل می دهد.

مدولاسیون کامل

در این قسمت قدم های ذکر شده در بالا به ترتیب طی می شوند. تنها نکته ای که هست آن است که چون snr های مختلف تست می شوند در یک حلقه برای تمام آنها n و y مربوطه تولید می شود و در یک دیکشنری متناظر با کلید آن snr ذخیر می شود.

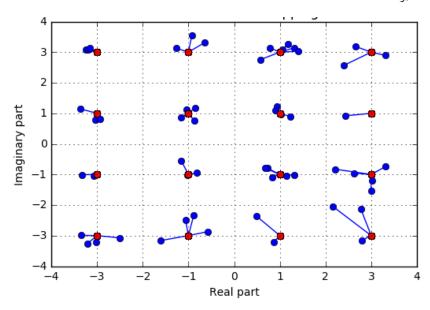
این عملیات توسط تابع module انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی داده ورودی، لیست snr ها و روش مدولاسیون و روش کدینگ را می گیرد و به عنوان خروجی دیکشینری که کلیدهایش snr های مختلف و مقادیرش y متناظر با هر snr است را تحویل می دهد.

تا این قسمت روند انتقال داده و دریافت سیگنال کامل انجام شده است. حال برای آنکه خطا را محاسبه کنیم بایستی از روی سیگنال دریافتی ورودی احتمالی را محاسبه و با ورودی اولیه مقایسه کنیم، حال برای دریافت ورودی احتمالی مراحل زیر طی می شود:

● یافتن نزدیک ترین نقاط و دریافت داده کد شده احتمالی

○ يافتن نقطه با كمترين فاصله

در این مرحله سیگنال دریافتی رشته ای از اعداد مختلط است. باید فاصله هر نقطه با نقاط consellation گفته شود بنا به فاصله کم این داده این نقطه محاسبه شود و با استفاده از قاعده maximum liklihood گفته شود بنا به فاصله کم این داده این نقطه consellation بوده است.



بدین جهت فاصله هر نقطه سیگنال دریافتی توسط تابع computeDistance با تمام نقاط constellation هر یک از دو روش مدل (QAMdots یا QPSKdots) محاسبه شده است و نقطه با کمترین فاصله انتخاب شده. البته این نقاط نرمال شده اند تا بتوان با نقاط سیگنال دریافتی مقایسه شوند.

این عملیات توسط تابع getMinDistPoint انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی داده ورودی، دو جز حقیقی و مجازی نقاط سیگنال دریافتی و روش مدولاسیون را می گیرد و به عنوان خروجی نقطه constellation با کمترین فاصله را تحویل می دهد.

دریافت داده کد شده احتمالی

در اینجا ابتدا در هر روش مدولاسیون نزدیک ترین نقطه constellation را برای هر نقطه سیگنال دریافتی محاسبه می کنیم. سپس برای اینکه داده باینری را داشته باشیم بسته به نوع مدولاسیون ۲ یا ۴ بیت باینری متناظر با می کنیم. QAMunpackDict را با کمک QPSKunpackDict و یا

این عملیات توسط تابع getProbableData انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی سیگنال دریافتی و روش مدولاسیون را می گیرد و به عنوان خروجی رشته باینری ورودی کد شده احتمالی را تحویل می دهد.

• دیکود کردن داده

همانطور که گفته شد دو حالت برای کدینگ داریم که در ادامه هر یک جداگانه توضیح داده خواهد شد:

۱ بدون کدینگ

در این حالت داده بدون هیچ تغییری به مرحله بعد منتقل می شود.

Hamming(4,7)

در این حالت بایستی مطابق قوانین این کدینگ داده تولید شده در مرحله قبل را دیکود کنیم؛ بدین منظور مراحل زیر طی می شوند:

○ رفع خطای احتمالی از رشته ۷ بیتی بنا به parity بیت

در اینجا ابتدا باید بیت های خطایابی را محسبه کنیم. که این بیت ها به شکل زیر محاسبه می شوند:

$$e1 = p1 + d0 + d1 + d3$$

$$e2 = p2 + d0 + d2 + d3$$

$$e3 = p3 + d1 + d2 + d3$$

+ نشانه عملیات XOr است. البته در کد به جای عملیات XOr زوجیت عدد ۱ پیاده سازی شده است.

این عملیات توسط تابع getErrors انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی داده کد شده ۷ بیتی را می گیرد و به عنوان خروجی بیت های خطای تولید شده بنا به روابط بالا را تحویل می دهد.

حال باید داده ۷ بیتی را رفع خطا کرد. بنا به شرایط بیت های خطای به دست آمده رفع خطا را انجام می دهیم.

وضعيت بيت خطا	خطای رخ داده
e1 = e2 = e3 = 0	بدون خطا
e0 = e1 = 1, $e2 = 0$	d0 != d0
e0 = e2 = 1, $e1 = 0$	d1 != d1
e1 = e2 = 1, $e0 = 0$	d2 != d2
e0 = e1 = e2 = 1	d3 != d3

این عملیات توسط تابع makeErrorFreeData انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی داده کد شده ۷ بیتی را می گیرد و به عنوان خروجی ۴ بیت بدون خطا را بنا به روابط بالا تحویل می دهد.

۰ دیکود داده

در اینجا تمام داده را ۷ بیت ۷ بیت جدا می کنیم. هر ۷ بیت را با رفع خطای احتمالی به ۴ بیت تبدیل می کنیم و داده دیکود شده را به دست می آوریم.

این عملیات توسط تابع decodeDate انجام می شود. این تابع به عنوان ورودی داده کد شده را می گیرد و به عنوان خروجی داده دیکود شده را تحویل می دهد.

• محاسبه میانگین احتمال رخداد خطا

برای این محاسبه ابتدا یکبار داده را می فرستیم و از روی سیگنال دریافتی ورودی احتمالی دیکود شده را به دست می آوریم. حال با کمک تابع getCntFalse تعداد بیت های متفاوت در داده حاصل و داده اولیه را حساب می کنیم. و با تقسیم آن بر سایز کل داده احتمال را محاسبه می کنیم.

این عملیات در تابع computeMeanError انجام می شود؛ که خود دو ورژن دارد:

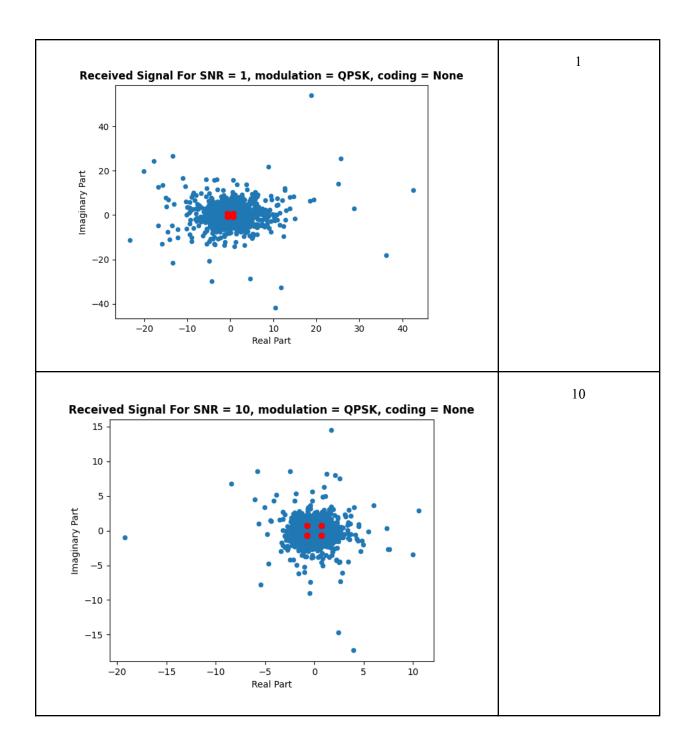
۱ برای هر snr یکبار سناریو گفته شده اجرا می شود و نتیجه اعلام می شود.

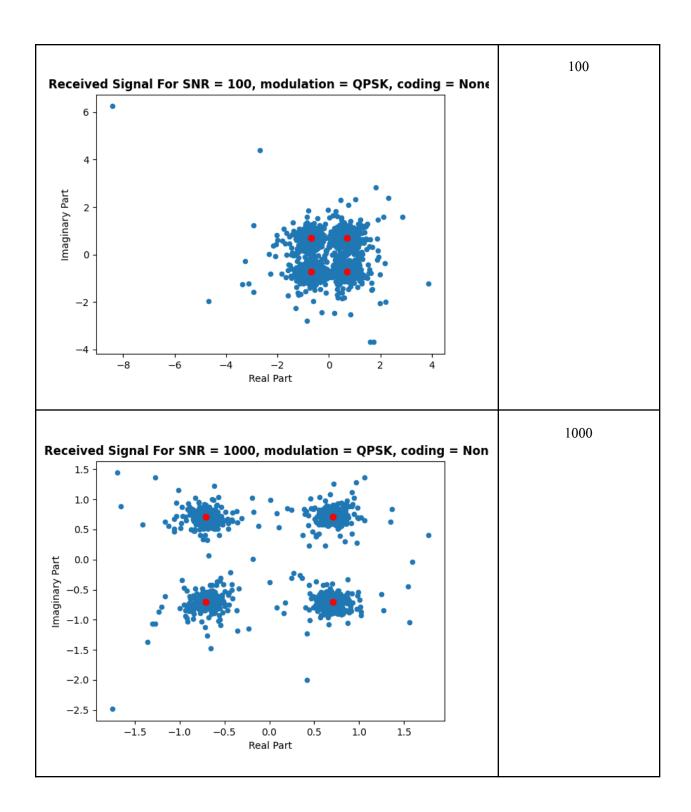
۲ برای هر snr سناریو گفته شده به تعداد loop size اجرا می شود و بین نتایج میانگین گرفته می شود.

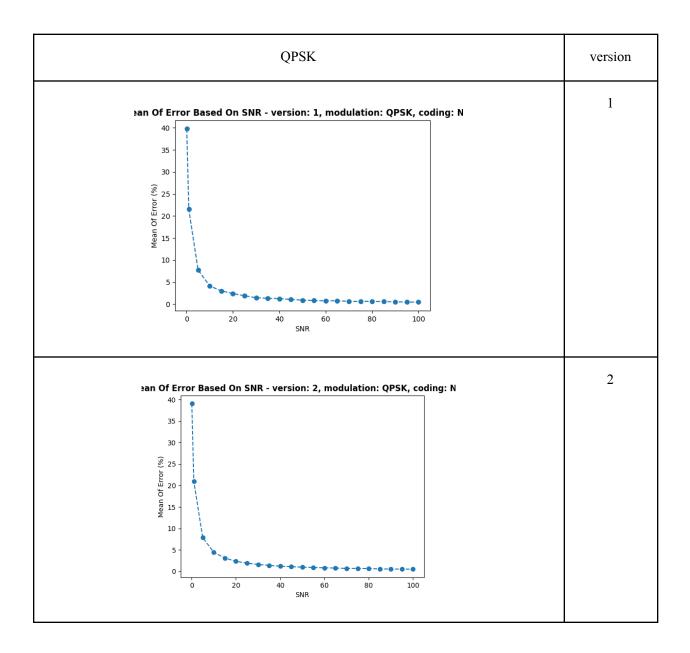
سوالات و نمودار های مربوطه

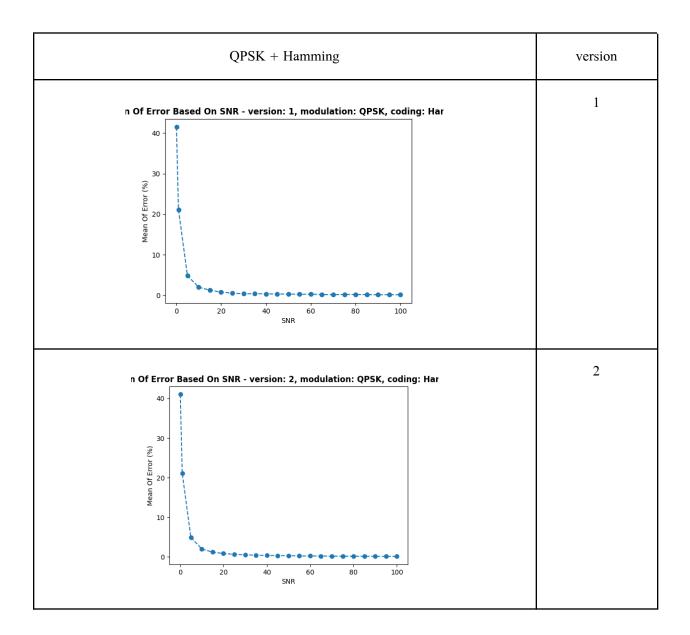
٠1

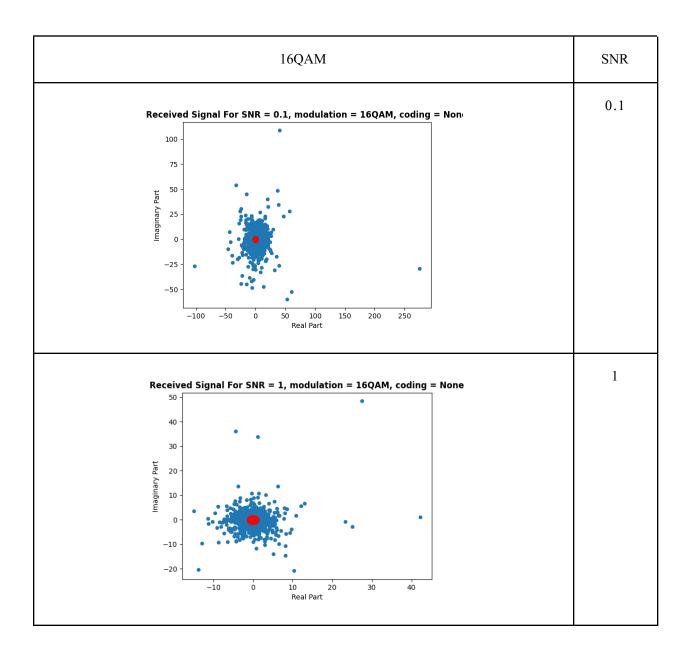
	QPSK	
Received S	ignal For SNR = 0.1, modulation = QPSK, coding = None	0.1
	•	
150 -		
100 -	•	
Part		
Imaginary Part		
magii.		
_		
-50 -		
-100 -		
-150	-100 -50 0 50 100 150 Real Part	

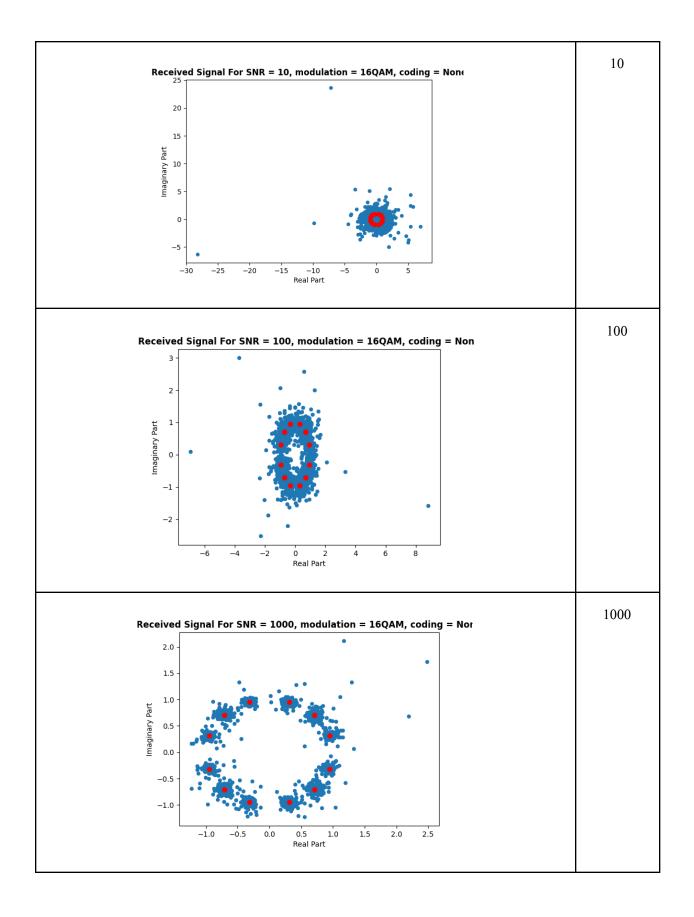


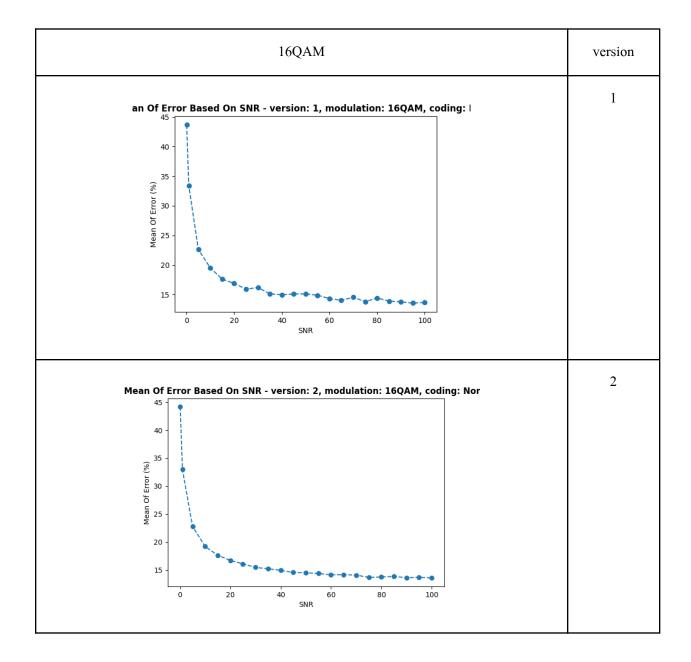


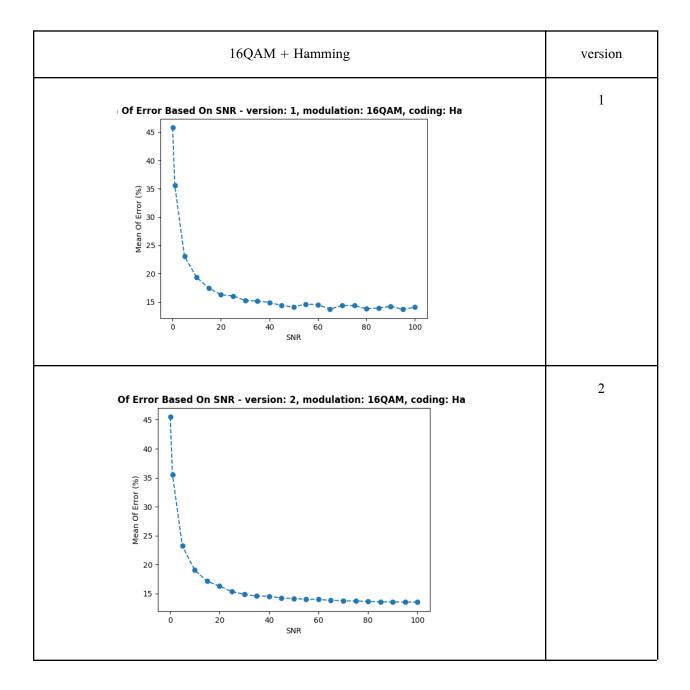




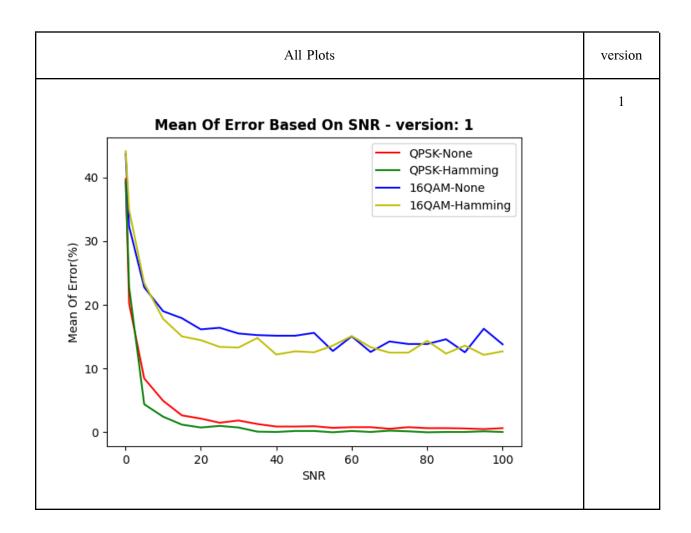


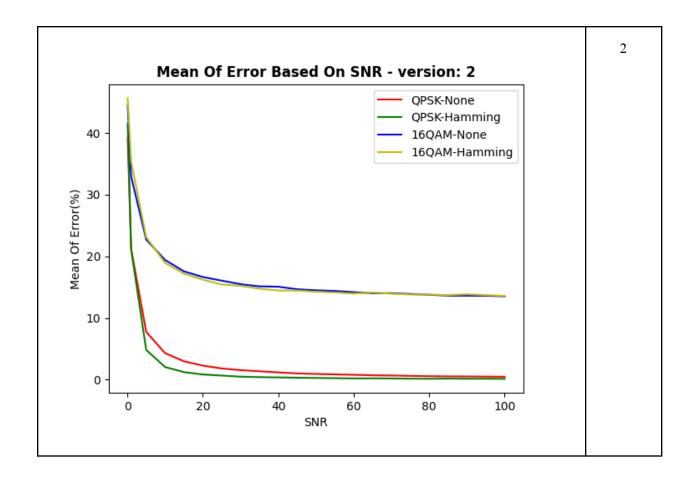






برای مقایسه بهتر نمودار های میانگین احتمال خطا هر دو مدولاسیون به همراه کدینگ و بدون آن نمودار های زیر هم ترسیم شده است:





همانطور که در نمودار ها دیده می شود خطای 16QAM به وضوح بیشتر از QPSK است. ابتدا با هم شروع می کنند اما برای QPSK به سرعت افت می کند. دلیلی که می توان گفت از روی نمودار های سیگنال دریافتی مشخص است. در 16QAM نقاط constellation به هم نزدیک ترند و همین مساله یافت نزدیک ترین همسایه را سخت تر می کند. همانطور که دیده می شود در SNR های پایین چون در نمودار سیگنال دریافتی هم فشردگی بود خطا هم زیاد بود و با رفع فشردگی خطا کاهش می یابد. کدینگ هم به دلیل مرحله تصحیح و رفع خطا تا حدی احتمال خطا را کم می کند اما اثر فشردگی 16QAM بیشتر است و تفاوت در QPSK واضح تر است.

توجه:

نمودار های بیشتری برای حالات مختلف ترسیم شدند اما برای عدم شلوغی گزارش اینجا آورده نشدند و در فایل آپلودی و فولدر plots قابل مشاهده اند.